

امام خمینی (ره) و ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور

منجی!

دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی

اسلام و بالاخص مکتب تشیع از معدود ادیان و مکاتبی است که مبحث نسبت تنگاتنگ «انتظار و سیاست» را به جد مطرح کرده است. این مساله به واقع چهارم‌ای از اسلام (و شیعه) را نشان می‌دهد که قائل به دادگستری نهایی و عدالت جهان گستر بر بستری از الهیات رهایی بخش است. در مقاله ذیل، مولف با بررسی دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مساله انتظار و ظهور امام زمان (عج)، نقش این مفهوم را در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بررسی کرده و سویه‌ها و اطراف آن را به تحلیل می‌نشیند.

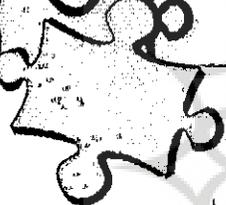
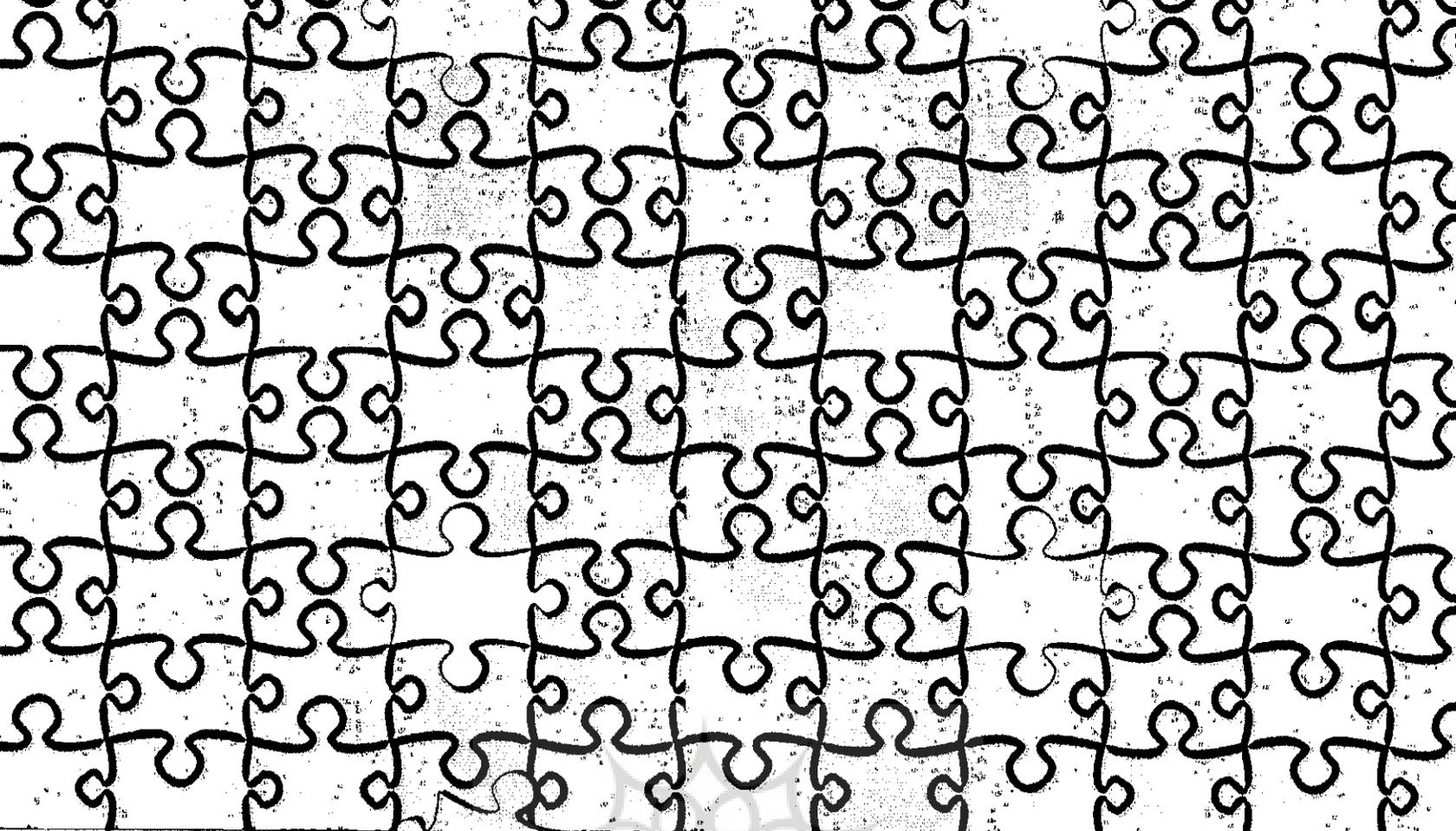
فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاه‌الله تهیه بشود.^(۱) ایشان در یکی دیگر از سخنان خود با نقد دیدگاه‌های موجود درباره انتظار، دیدگاه خود در این زمینه را این گونه بیان می‌کند: «البته این پر کردن دنیا از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم اما نمی‌توانیم بکنیم. چون نمی‌توانیم، باید او بیاید تا بکند، ولی باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت.»^(۲) از این سخنان، دیدگاه امام راحل^(ره) درباره زمینه‌سازی ظهور به خوبی روشن می‌شود.

○ نقش انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی (عج) از سخنانی که حضرت امام^(ره) در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی ایراد فرمودند، به خوبی استفاده می‌شود که ایشان بر بانی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران را دو منزلگاه در طریق رسیدن به سر منزل مقصود و تشکیل حکومت عدل مهدوی می‌دانست و بر این باور بود که باید با اجرای کامل احکام اسلامی در عصر غیبت، زمینه را برای ظهور امام مهدی (عج) فراهم آورد. در اینجا برخی از این سخنان را مرور می‌کنیم:

«امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه‌الله -

یکی از پرسش‌های مطرح درباره انقلاب جهانی امام مهدی (عج) این است که آیا ما افزون بر انتظار فرج و چشم به راه بودن برای ظهور آن حضرت وظیفه‌ای در زمینه آماده‌سازی زمینه ظهور داریم یا خیر؟ برخی بر این باورند که ما وظیفه‌ای در این زمینه نداریم؛ زیرا ظهور امام مهدی (عج) تنها در گرو اذن خداوند است و هر زمان که اراده الهی به این امر تعلق گیرد، ظهور واقع می‌شود. بنابراین انسان‌ها نقشی در پیش افتادن یا پس افتادن ظهور و زمینه‌سازی برای آن ندارند. در مقابل این دیدگاه، برخی معتقدند که زمینه‌سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می‌توانند با اعمال شایسته خود، ظهور امام مهدی (عج) را نزدیک‌تر کنند. حضرت امام خمینی (ره) معتقد به این دیدگاه بود و در سراسر دوران مبارزه خود همواره بر وظیفه و تکلیف همگانی برای زمینه‌سازی ظهور تأکید می‌کرد. برای روشن‌تر شدن دیدگاه امام^(ره) در این باره، به گزیده‌ای از رهنمودهای ایشان اشاره می‌کنیم. از جمله، دیدگاه امام^(ره) در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت و تکلیف آنها در زمینه فراهم آوردن شرایط ظهور، دیدگاه ایشان درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور امام مهدی (عج) و دیدگاه آن رهبر فرزانه در زمینه ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام را به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم.

○ وظایف منتظران در عصر غیبت - حضرت امام^(ره) با ژرف‌اندیشی تمام، انتظار فرج را «انتظار قدرت اسلام» معنا کرده و فراهم آوردن مقدمات ظهور را یکی از وظایف منتظران می‌دانست: «همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار



گسترش است، امیدبخش آتیه‌ای

روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید. گویسی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از آفاق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود و می‌رفت تا عریضه شوم «أنا ربکم الأعلى» از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج ۲ هزار و ۵۰۰ ساله فرعون گونه ستم‌شاهی به دست توانای زاغه‌نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و تومار تاراج‌گری‌ها و حکم‌فرمایی‌های شیطان بزرگ و شیطانک‌های وابسته و پیوسته به آن درهم پیچیده شد، ایامی معدود بیش نبود... ولی تحولی که کمتر از صد سال بعید به نظر می‌رسید، با تقدیر خدای بزرگ در این ایام معدود و ساعات محدود تحقق یافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد: «و لیس من الله بمستنکر» که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی‌الله الأعظم، صاحب العصر - ارواحنا له الفداء - روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت الهی را در عالم بر فراز کاخ‌های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز درآورد. «و ما ذلک علی الله بعزیز»^(۱)

امام^(۲) با ژرف‌اندیشی تمام و با پشتوانه عظیم اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت حجت^(ع)، مسؤولان نظام را از اینکه تنها به ایران ببیندیشند، بر حذر داشت و فرمود: «مسؤولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا له الفداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسؤولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی

ارواحنا له الفداء - باشد»^(۳)

«امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود»^(۴)

«من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر^(ع) هست»^(۵)

«ن شاه‌الله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند - و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا له الفداء -»^(۶)

«خداوند بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فروریختن کاخ‌های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان برخوردار فرما»^(۷)

«خداوند همه ما را از قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود - ارواحنا لمقدمه الفداء - رد کنیم»^(۸)

○ حکومت جهانی اسلام هدف اصلی انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی^(۹) در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را در از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور ایران محدود نکرده بود، ایشان در پی گسترش حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت‌ها از همه کشورهای اسلامی بود. ایشان حرکت خود را در راستای قیام جهانی موعود^(۱۰) می‌دید و انقلاب اسلامی ایران را مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم مهدوی ارزیابی می‌کرد.

از همین رو، تشکیل حکومت اسلامی در ایران هیچ گاه سبب نمی‌شد ایشان از حرکت باز ایستند و حکومت جهانی مهدی موعود را به فراموشی سپارد: «[...] جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال

□ پی‌نوشت‌ها

- ۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵
- ۲- همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸
- ۳- همان، ج ۱۶، ص ۸۸
- ۴- همان، ج ۱۵، ص ۷۵
- ۵- همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵
- ۶- همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰
- ۷- همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸
- ۸- همان، ج ۱۹، ص ۱۱
- ۹- همان، ج ۱۸، صص ۱۱ و ۱۲

تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.^(۱۰) از این رهنمود به خوبی استفاده می‌شود که امام خمینی^(ع)، تشکیل حکومت جهانی اسلام را یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی می‌دانست. از همین رو، معتقد بود که مسؤولان نظام جمهوری اسلامی باید همه تلاش خود را برای ایجاد این حکومت به کار برند و متوجه باشند پرداختن به برنامه‌های توسعه، حتی یک لحظه، آنها را از این هدف بزرگ باز ندارد؛ چون غفلت از آن، «خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد».

○ مبانی نظریه ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی^(ع) بر مبنای متعددی استوار است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

نیاز همیشگی به حجت: در اعتقاد اسلامی، بشر همواره نیازمند هدایتگر است. به همین دلیل، از ابتدای آفرینش انسان تاکنون هیچ‌گاه جهان از پیامبران و امامان هدایتگری که حجت‌های خدا بر بندگانش هستند، خالی نبوده است. بر اساس این اعتقاد، اگر روی کره زمین تنها دو نفر باقی مانده باشند، یکی از آنها حجت الهی خواهد بود.^(۱۱) دانشوران شیعه این موضوع را تحت عنوان «اضطرار به حجت» (ناگزیری از حجت) مطرح ساخته‌اند.^(۱۲) امام محمد باقر^(ع) در این باره می‌فرماید:

«به خدا سوگند، خداوند از روزی که آدم^(ع) قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می‌شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا، حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی‌ماند.»^(۱۳)

نیاز همیشگی به حجت‌های الهی ریشه در این واقعیت دارد که آدمی برای پیمودن مسیر هدایت و دست یافتن به حقیقت هستی همواره نیازمند راهنمایی انسان‌های شایسته‌ای است که از سوی خدای متعال به این منظور برگزیده شده و رسالت هدایت و راهبری آدمیان را بر عهده گرفته‌اند.

پرسشی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که با وجود کتاب‌های آسمانی چه نیازی به این انسان‌های برگزیده وجود دارد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت اولاً کتاب‌های آسمانی خود نیازمند مفسر و مبین هستند و ثانیاً این کتاب‌ها بدون وجود حجت‌های الهی دچار تحریف و تبدیل یا تأویل و تفسیرهای بی‌اساس می‌شوند تا آنجا که حق بر مردم مشتبه شده و انسان‌ها پیش از پیش دچار سردرگمی می‌شوند. از این رو، همواره باید در کنار کتاب‌های آسمانی انسان‌های برگزیده‌ای به عنوان مفسر و مبین کلام خدا وجود داشته باشد.

نقش مردم در غیبت و استمرار آن: یکی دیگر از مبانی نظریه لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی^(ع) توجه به نقش مردم در غیبت و استمرار آن است. برای روشن شدن این نقش برخی از اموری را که در روایات از آنها به عنوان فلسفه غیبت یاد شده است، بررسی می‌کنیم:

الف) ستم‌پیشه بودن انسان‌ها: از برخی روایات چنین برمی‌آید که علت یا فلسفه غیبت، ستم‌پیشه بودن انسان‌ها بوده است. در روایتی که از امام علی^(ع) نقل شده، در این زمینه چنین آمده است:

«بدانید که زمین از حجت خدای عزوجل خالی نمی‌ماند، ولی گاهی خداوند به دلیل ستم و اسراف که آفریدگان بر خودشان روا می‌دارند، حجتش را از آنها مخفی می‌دارد.»^(۱۴)

این موضوع برای هر پژوهشگر تاریخ زندگانی ائمه دوازده‌گانه شیعه^(ع) مسلم است که هر چه از عصر امام علی^(ع) بیشتر فاصله می‌گیریم، میزان حضور امامان معصوم^(ع) در متن وقایع جامعه کاهش می‌یابد. فشار و تهدیدهای خلفای جور از یک سو و ناهلی مردم زمانه از سوی دیگر سبب می‌شود که روز به روز از تعداد یاران باوفا گرداگرد ائمه^(ع) عصر کم شود و در نتیجه، ایشان خود را در غربت و تنهایی بیشتری احساس کنند، به بیان

دیگر، جامعه اسلامی روز به روز شایستگی خود را برای پذیرش امام معصوم بیشتر از دست داد تا جایی که هر چه به عصر غیبت صغرا نزدیک‌تر می‌شویم، از ارتباط مستقیم ائمه^(ع) با مردم و حضور عملی ایشان در جامعه کاسته می‌شود.

این نکته در زندگانی امام هادی^(ع) و امام عسکری^(ع) به خوبی مشهود است. امام هادی^(ع) حدود ۳۰ سال پیش از میلاد امام عصر^(ع)، رفته‌رفته ارتباط خود را با مردم زمان خویش کم کرد و جز با شمار اندکی از یاران خاص خود تماس نمی‌گرفت.

امام عسکری^(ع) نیز در عصر خود بیشتر با نامه‌نگاری یا یاران خود ارتباط برقرار می‌کرد و بسیاری از امور شیعیان خود را از طریق نمایندگان و وکلای خویش حل و فصل می‌کرد و کمتر با آنها به طور مستقیم روبه‌رو می‌شد. البته شاید بتوان در پیش گرفتن این سیره از سوی این دو امام بزرگوار را اقدامی در جهت زمینه‌سازی برای غیبت امام مهدی^(ع) تفسیر کرد ولی با در نظر گرفتن شرایط کلی جامعه اسلامی در آن روزگار، این موضوع که آن بزرگواران به دلیل ناهلی مردم زمانه در غربت و تنهایی به سر می‌بردند، چندان دور از ذهن نیست.

بنابراین، می‌توان گفت چون میان قابلیت‌ها و شایستگی‌های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم^(ع) و میزان حضور امام در جامعه، ارتباط متقابلی وجود دارد، به هر اندازه که جامعه شایستگی خود را از دست دهد و از ارزش‌های الهی فاصله بگیرد، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می‌آید، از جامعه فاصله می‌گیرد و از حضور خود در جامعه می‌کاهد زیرا رحمت الهی در جایی فرود می‌آید که سزاوار رحمت باشد.

ب) نبود یاران وفادار برای امام^(ع): از روایات متعددی استفاده می‌شود که استمرار غیبت امام مهدی^(ع) و ظهور نکردن آن حضرت، به دلیل یافت نشدن یاران وفادار به تعداد لازم؛ یعنی ۱۳ نفر است که از آن جمله می‌توان به روایت نقل شده از امام موسی کاظم^(ع) اشاره کرد. در این روایت، ایشان خطاب به یکی از یاران خود می‌فرماید:

«... ای پسر بگیرا من به تو سخنی را می‌گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده‌اند و آن این است که اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر [با پیامبر اکرم^(ص)] بودند، [یاران مخلص] وجود داشت، قیام‌کننده ما [اهل بیت^(ع)] ظهور می‌کرد.»^(۱۵)

گفتنی است شیخ مفید^(ع) نیز در یکی از رساله‌های خود بر این موضوع تأکید می‌کند که فراهم نبودن تعداد مورد نیاز از یاران برگزیده، یکی از دلایل استمرار غیبت است.

ج) آماده نبودن جوامع بشری: امام عصر^(ع) در یکی از تویق‌های خود مطلبی را بیان می‌کنند که شاید بتوان از آن استفاده کرد که علت استمرار غیبت آماده نبودن جوامع بشری، به طور عام، و جوامع شیعی، به طور خاص، است. آن حضرت می‌فرماید:

«اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت؛ دیداری بر مبتای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما.»^(۱۶)

برخی فقیهان و متکلمان بزرگ شیعه نیز این موضوع را که علت غیبت، فراهم نبودن زمینه برای ظهور و آماده نبودن جوامع بشری است، تأیید کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به شیخ طوسی و خواجه نصیرالدین طوسی^(ع) اشاره کرد.

امام خمینی^(ع) با وسعت دیدی که داشت، «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد، مطرح می‌کرد و معتقد بود که باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنان که باید، فراهم شود. ایشان در این زمینه می‌فرمود:

«همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور -ان شاء الله- فراهم شود.»^(۱۷)

□ بی‌نوشت‌ها
 ۱۰. همان، ج ۲، ص ۲۱، ص ۱۰۸.
 ۱۱. ربک، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲۹، به نقل از امام صادق^(ع).
 ۱۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: الکافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب الاضطراب الی الحجّة، صص ۱۶۸ - ۱۷۴.
 ۱۳. شیخ صدوق کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب العلة التي من اجلها يحتاج الی الامام علیه السلام، صص ۲۰۱ - ۲۱۰.
 ۱۴. محمد بن ابراهیم لعمانی، کتاب الغیبة، باب ۹، صص ۱۳۹ - ۱۴۰.
 ۱۵. محمد باقر مجلسی بحار الأنوار، ج ۲۳، باب الاضطراب الی الحجّة و ان الأرض لا تخلو من حجّة، صص ۱ - ۵۶.
 ۱۶. الکافی، ج ۱، صص ۱۷۸ و ۱۷۹، ج ۸.
 ۱۷. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۱۴۱، ج ۲.
 ۱۸. ابوالفضل علی طبرسی، مشکاه الأنوار، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ. ق. ص ۷۰.
 ۱۹. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ج ۷.
 ۲۰. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.